جمهوری اطلاعات

«اقتصاد اطلاعات گردشگری» – ۳

حامد اکبری
پژوهشگر اقتصاد اطلاعات

مدعای اصلی نگارنده، هنداری مبتنی بر آینده صنعت توریسم است که نوع آمادگی و مواجهه با آن می‌تواند آینده‌ای بسیار مثبت یا منفی برای صنعت گردشگری کشور رقم بزند.رفتار عمومی کنونی فعالان عرصه گردشگری، ارائه محصول مبتنی بر داده‌گوای‌هایی است که بتواند زنجیره محصولات و خدمات مرتبط با سفرها را ساماندهی کند و در یک فرایند آنها را بهینه‌سازی کرده و با قطع‌دادن با تحقیقات بازار، بکج‌های مسافرتی را طراحی و آنها را ارائه کند.دی‌نفعان حوزه گردشگری را می‌توان مانند دیگر بازارها در دو گروه اصلی عرضه‌کنندگان خدمات و محصولات و همچنین متقاضیان خدمات و محصولات طبقه‌بندی کرد. به دلایلی که برشمرده شد، به نظر می‌رسد عرضه‌کنندگان خدمات از آمادگی‌های اطلاعاتی و داده‌محوری نسبتا مناسبی برخوردار هستند.اما موضوع اطلاعات مصرف‌کنندگان بالقوه و بالفعل صنعت گردشگری و داده‌کاوی‌های مرتبط با آن، جای تامل جدی دارد.پیش‌بینی می‌شود برای ایجاد مزیت‌های نسبی جدیدتر در بازارهای رقابتی‌شدنتر فعلی، باز هم ابزار داده‌کاوی مسیر آینده را ترسیم کند و داده‌پردازی، ثبت، تجمیع اطلاعات افراد جامعه پیشران این حرکت خواهد بود.شرح اقتصاد دولت تلاش کنیم این تصمیم سیاسی بهترین نتیجه را در فضای کارشناسی و اقتصاد ایجاد کند.

او کید بر دهیت یک کارشناس به این گفت‌وگو آمده بود. به سخن‌هایی که هر بار درباره جدایی وزارتخانه‌ها به میان می‌آید نیز این‌گونه واکنش نشان داد: «اگر قرار است وزارت بازرگانی، مسکن و راه و... را به‌صورت مستقل داشته باشیم، تلاش کنیم وزارتی که ایجاد می‌کنیم واقعا بتواند به اقتصاد کشور کمک کرده و تحول ایجاد کند. نه اینکه صرفا با نیت سیاسی ایجاد کنیم و بدانیم اتفاق خاصی نمی‌افتد».

یکی از مهمترین بحث‌های این گفت‌وگو درباره اقتصادی‌شدن وزارت خارجه بود. دودانگه تاکید می‌کند: «اساس وزارت خارجه باید واقعا اقتصادی و خلق منزلت اقتصادی برای کشور باشد. به گفته او، نگاه سیاسی در گوشت، پوست و استخوان ساختار وزارت خارجه نفوذ کرده است. نمی‌توانیم صرفا با ایجاد یک معاونت اقتصادی انتظار داشته باشیم روابط تجاری و اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌ها سامان پیدا کند و اقتصاد کشور بروکراتیک شود.او درباره استفاده خارج از اساسنامه صندوق توسعه ملی برای بهره‌برداری از این صندوق که پیشنهاد‌های برای نسل آینده است. هشدار می‌دهد که این نوع رفتار، سرنوشت صندوق و به صندوق ذخیره ارزی می‌شکاند. به گفته عضو هیئت عامل سابق صندوق توسعه ملی، «فرقی بین دولت‌ها دراین‌باره وجود ندارد، او باز هم هشدار می‌دهد: «اجازه دهیم ساختار و ارکان صندوق این تصمیمات را بگیرد و دولت و مجلس را از تصمیم‌گیری‌ها دور نگه‌دارید.» دودانگه در پایان این گفت‌وگو مخلص کلام را می‌گوید: اینکه اگر برای اصلاح زمان درستی وارد عمل نشویم، هزینه سیاسی و اقتصادی تصمیم خیلی بالاتر خواهد رفت و به بیان دیگر: «اگر دیر تصمیم بگیریم، دیگر فرصت اصلاح هم نخواهیم داشت.

■ درحال‌حاضر بارها از سوی مسئولان درباره بحران‌زایی اقتصاد می‌شنویم. ریشه این بحران کجاست؟

اصولا بررسی و تحلیل روند متغیرهای اقتصادی می‌تواند تیجه‌گیری کامل‌تر و دقیق‌تری را برای ما به‌عنوان تحلیلگر ارائه کند. بنابراین برای شناخت ریشه‌ها باید به صورت سیستمی تحلیل کرد. اگر درروند ارا مطالعه یک‌بعد متوجه می‌شود تصمیماتی که در مقاطع مختلف گرفته شده چقدر توانسته است متناسب با اهداف و چشم‌اندازهای تعیین‌شده باشد یا مغایر با آنها حرکت کند. اقتصاد ما مسائل و چالش‌های مختلفی دارد که از قبل از انقلاب وجود داشته و در دهه‌های مختلف هم دغدغه کارشناسان اقتصادی بوده است. اینکه اقتصاد ما به‌شدت متکی به نفت و درآمدهای نفتی است یا اینکه در چند دهه گذشته درجه باز بودن ما هم‌پوند دیگری بوده و بعضا به ارقام بالایی هم رسیده است یا موضوع بهره‌وری پایین، اشتغال ضعیف و نرخ رشد ناموزون و بی‌ثبات و موارد دیگر، موضوعاتی است که طبیعتا باید در دهه‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد. اینکه چرا باید در دهه‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد، به این برمی‌گردد که ما با روند مناسبی دست‌انداز یا نه. پس از آن می‌توان تصمیماتی را که در دولت‌های مختلف گرفته شده است، متناسب یا نه روند‌ها تالیز کرد. اگر شناخت عمیقی از رخداد‌ها و تحلیل جامع و درستی از ابعاد تصمیمات را داشته باشیم، نمی‌توانید بسیاری از آینده هم تصمیمات بهتری بگیرید. با این اوصاف، یکی از چالش‌های مهم اقتصاد ما متکی‌بودن به درآمدهای نفتی بوده است که با افزایش درآمدهای نفتی دولت مسئله خودش را در اقتصاد افزایش می‌داده و باعث می‌شده توجه به تولید داخلی کمتر شود. واردات روند بهره‌برداری به خود دیگر و در مقابل، توجه به صادرات کم شود. از طرف دیگر وقتی درآمدهای نفتی، به دلایل مختلف که به بازار جهانی نفت و شرایط خاص اقتصادی که داریم، محدودیت‌های بی‌المللی و تحریم‌ها بود کاهش می‌یافت، تلاش می‌کردیم تصمیم‌هایی بگیریم یکی از این تلاش‌ها و تصمیمات مبتر به یک نتیجه ملموس می‌شد دوباره درآمدهای نفتی افزایش پیدا می‌کرد و تصمیم‌گیری به مسیر درستی را دنبال نمی‌کرد تا اقتصاد کشور از متکی به خودش کند و نگاه صادراتی بدهد. به بوته فراموشی سپرده می‌شد. این یک واقعیت آشکار است که بخش قابل‌توجهی از درآمدهای نفتی به کوه‌های هزینه می‌شود که اثربخشی لازم را ندارد و دراین‌صورت نمی‌تواند رو در رشد اقتصادی، بهره‌وری و اشتغالمان تاثیر مثبت داشته باشد. بنابراین باید تلاش می‌شد تا نظام قیمت‌گذاری کمه یکی از زیرساخت‌های اقتصاد مولد، رقابتی و پویاست اصلاح شود که باعث شود با تخصیص بهینه درآمدهای حاصل از نفت، پویایی و رشد اقتصادی ایجاد کرده که در آن بالغ بر ۲۵ میلیون نفر غیرنیازمند و توزنمند باشند.اما به‌دلایل مختلف از جمله سلطه سیاست بر اقتصاد، این تصمیم عملیاتی نمی‌شد. تا اینکه این تصمیم البته به‌صورت ناقص و صرفا در مقیاسی مشخص در دولت دهم، گرفته شد که به نظر من اگرچه دیرهنگام و ناقص بود ولی به‌عنوان شروع اصلاحات اقتصادی کار درستی بود و تلاشی در راستای واقعی‌کردن قیمت‌ها بود. با این حال اجرای اصلاحات مورد نظر به کوه‌های که تصمیم گرفته شده بود، پیش نرفت و توانست آثار واقعی خود را بر متغیرهای کلان و همچنین رشد. الگوی مصرف، بهره‌وری، سرمایه‌گذاری و درآمدها دنبال کند. اگر می‌توانستیم هدفمندی را به‌معنای واقعی کلمه اجرا کرده و درآمد حاصل از هدفمندی را صرفا به اقشار نیازمند جامعه پرداخت کنیم و نه همه مردم و در کنار آن، از محل درآمدهای هدفمندی یارانه‌ها به تولید رقابتی را حمایت کرده و رفاه اجتماعی ایجاد کنیم. این تصمیم می‌توانست بسیار مهم باشد. در دولت گذشته شروع خوب بود، اما به‌دلیل تجربه‌ها و سایر مسائل جانبی این تصمیم به‌صورت کامل اجرا نشد. انتظار می‌رفت دولت یازدهم این مسیر را اصلاح کرده و به ریل خودش برگرداند. ولی به دلایل مختلف، از جمله نگاه اقتصاد سیاسی، اصلاحاتی که باید انجام می‌گرفت انجام نشد و حتی گام‌هایی بعدی هدفمندی یارانه‌ها هم اجرا نشد. اخیرا دولت در قالب لایحه بودجه تصمیماتی درباره هدفمندی یارانه‌ها گرفته که بخش قابل توجهی از کسانی که یارانه دریافت می‌کنند، حذف شوند و صرفا اقشار آسیب‌پذیر مشمول منابع هدفمندی شوند. اگرچه ظاهرا زمینه این تصمیم در مجلس کمتر است و از طرف دیگر هنوز به طورکامل زیرساخت که به ما کمک کند، شناسایی درستی انجام شود. نداریم و احتمال می‌رود که این حذف‌ها منجر به بروز مشکلاتی در خانواده‌ها شود که تصمیم بسیار حساسی است. تاکید می‌کنم تصمیماتی که در دوره‌های مختلف گرفته شده براساس پیش متغیرهای کلان اقتصادی، نتوانسته ما را متناسب با چشم‌اندازهای تعریف‌شده، هدایت کند و طبیعتا نیاز است تصمیمات جدی‌تر و اساسی‌تری گرفته شود تا بهره‌وری و رشد اقتصادی به معنای واقعی کلمه و نه صرفا رشد حاصل از درآمدهای نفتی حاصل شود و مردم طعم رشد و رفاه را احساس کنند. به نظر می‌رسد اگر طرح تحول اقتصادی که محورهای هفتگانه شامل اصلاح نظام پرداخت یارانه‌ها، نظام بانکی، نظام گمرکی، نظام توزیع، نظام بهره‌وری و... دربرداشت، به‌طورکامل اجرا می‌شد، می‌توانستیم انتظار داشته باشیم جهشی در متغیرهای اقتصادی رخ دهد که عملا اجرائی نشد. به‌عنوان جمع‌بندی می‌توانم تاکید کنم که ریشه بسیاری از بحران‌های فعلی در بخش‌های مختلف، به‌ویژه در حوزه اقتصادی ناکارآمدی‌های ساختار و مدیریت اقتصادی و کج‌تنوجهی به ماحبت کارشناسی و تحلیلی و سیاست‌زدگی بسیاری از تصمیمات اقتصادی است که منابع و سرمایه‌های کشور را به شکلی غیرمولد تخصیص داده و امکان حرکت اقتصاد را در ریل مناسب فوقره است.

■ تفاوت دو دولت اخیر در شیوه برخورد با بحران‌هایی که گفته می‌شود بخشی از آن به این دولت به ارث رسیده و بخشی هم به عملکرد دولت برمی‌گردد. چیست؟

دولت‌ها به معنای قوه اجرائی کشور متاسفانه در یک ساختار خاصی که از قبل ایجاد شده، قرار می‌گیرند. این مشخصه درباره همه دولت‌ها در دهه‌های گذشته وجود داشته و دولت‌ها، بسیاری از مشکلات و چالش‌ها را به ارث برده‌اند. ولی آنچه مهم است اتخاذ تصمیمات اصولی برای برطرف‌کردن مشکلات است که در این زمینه ناکارآمدی وجود دارد. به‌عنوان مثال رشد بهره‌وری به‌عنوان یکی از موضوعاتی است که می‌تواند به اقتصاد کشور کمک کند و در شرایطی که منابع کافی برای سرمایه‌گذاری نداریم با تخصیص یا استفاده بهینه از منابع موجود، به رشد اقتصادی کمک کنیم. در صورتی‌که این متغیر اصلا رونق مناسبی را در چهار، پنج دهه گذشته نداشته است چراکه نه‌تنها سیاست‌گذاری مناسبی توجه قرار نگرفته است. بنابراین دولت‌ها وارث ساختار اقتصادی پیچیده و دارای مشکلات متعددی هستند که دهه‌های گذشته برمی‌گردد و طبیعتا اصلاح این شرایط نیازمند تصمیمات اساسی.

اساس وزارت خارجه باید واقعا اقتصادی و خلق منزلت اقتصادی برای کشور باشد. از سرفایی که داریم، چندنفرشان نگاه اقتصادی دارند یا می‌توانند داشته باشند؟ اگر قرار است وزارت بازرگانی را با روبکرد صادراتی و تجارت بین‌المللی درست شود و نهادهایی که در زمینه بازرگانی و سرمایه‌گذاری خارجی کار می‌کنند، تجمیع شود و یک وزارت خارجه اقتصادی تشکیل شود

■ پیش از آنکه وزیر برای کابینه دوازدهم از سوی رئیس‌جمهور معرفی شود، موضوع تفکیک وزارتخانه‌ها یک برنامه ششم مطرح شده که با هجمه گسترده کارشناسان روبه‌رو شد. آنها معتقد بودند اگر روحانی با دیدن قراردادن افراد خاص در پست‌های خاص است و در راستای ایجاد بستر برای این تصمیم خود است. از دیدگاه شما، چقدر تصمیم‌گیری‌ها در دولت کنونی متاثر از نتظار منافع است؟

احساس می‌کنم اگر بخواهیم اقتصاد کشور را شکوفا کنیم، به دو موضوع باید بیشتر توجه کنیم. اساس و فلسفه اقتصاد مقاومتی، تولید و صادرات است. یعنی واقعا اگر بخواهیم کشور را به معنای واقعی کلمه به سازندگی برسانیم، نیرو، بهره‌وری پایین و... غلبه کنیم. جاری نداریم جز اینکه روی تولید بهره‌وراتر و توازنه را و فکر دیگر بر صادرات با ارزش‌افزوده بالا تاکید و تمرکز کنیم. این دو موضوع بسیار مهم و کلیدی که محور حرکت کشور در چارچوب اقتصاد مقاومتی است، ذیل یک دستگاه به نام وزارت بازرگی و عربش و طویل است و هر قدری را به‌عنوان مسئول این دستگاه بگذارید، لزوما نمی‌تواند از پس این دو موضوع مهم و کلیدی و اداره یک دستگاه بپیچیده و بزرگ بیاید. اساسا چون موضوع صادرات فراخبشی است و نمی‌تواند از یک دستگاه که در حوزه بخشی مثل بخش صنعت فعال است، انتظار داشته باشید برنامه فراخبشی را هم که باید از همه دستگاه‌ها انتظار داشته باشد، پی بگیرد. صادرات و تجارت موضوعی کاملا فراخبشی است. در موضوع صادرات بیش از ۳۰ دستگاه درگیر هستند و همه باید مسئول و پاسخ‌گو باشند؛ از جمله وزارت صنعت به معنای بخش تولید کشور که باید مسئول و پاسخ‌گو باشد. طبیعی است که در این شرایط چرا تناقض خواهیم داشت و مسئولیت‌ها دچار ابهام خواهد شد. لزوما پاسخ‌گویی که باید وجود داشته باشد و فرماندهی واحدی که حقوق صادرات باید از او دستی خواهد شد. صادرات موضوع بسیار مهم و نفس‌گیری است و کشوری را که به صورت تاریخی به صورت عادت کرده، به سختی می‌توان صادرات‌گرا کرد و این چالش را تنها می‌توان با فرماندهی و مدیریت واحد و یکپارچه صادرات به سرانجام برساند. به‌عنوان کارشناس می‌گویم اگر تفکیک وزارتی بازرگانی از وزارت صنایع با این رویکرد و چارچوب شکل بگیرد که به موضوع صادرات چیلاک بالاتری بدهیم و حوزه تجارت خارجی را برنگ کنیم که برخی از دلایل مطرح‌شده شاید درست باشد. ولی وقتی بخشی از اقتصاد در جای خودش نیست و حرکتش مکمل بخش‌های دیگر اقتصاد کشور است، سیاست‌گذار به این نتیجه می‌رسد که شاید ادغام باعث این مشکل شده باشد. درصورتی‌که اگر نگاه دقیق‌تر داشته باشید و ریشه‌های مشکل را بررسی کنید، می‌بینید بسیاری از چالش‌هایی که در دستگاه‌های ادغام‌شده ایجاد شده و شما شاهدش هستید، متاثر از انتخاب افراد. با اتخاذ تصمیماتی است که کارآمدی ندارد؛ یعنی تصمیم درست بوده متهج چون برخی از دلایل مطرح‌شده